مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال پانزدهم، شمارهٔ سوم، پاییز ۱۴۰۳

مقاله اصیل پژوهشی
(تاریخ پزشکی)

مطالعه و تصحیح نسخهٔ «رساله‌ای در دفع وبا» از میرزا اَبوالحسن‌خان دکتر (معتمدالسلطان)

سید علیرضا گلشنی[الف]، قباد منصوربخت[الف*]، حجّت عبادی‌منش[ب]

[الف]گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

[ب]گروه تاریخ، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

نسخهٔ «رساله‌ای در دفع وبا» از ابوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب‌خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن‌خان دکتر (معتمدالسلطان) (۱۲۶۱ تا ۱۳۳۲ ه‌ق/۱۸۴۵ تا ۱۹۱۴ م)، از پزشکان طب سنّتی و طب مدرن در دورهٔ قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ه‌ق) است. این نسخهٔ چاپ خطی منحصربه‌فرد و به زبان فارسی در کتابخانهٔ نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی با شماره نسخهٔ ۱۰۲۶ نگهداری می‌شود. این پژوهش به شیوهٔ تحلیلی‌ـانتقادی و با روش کتابخانه‌ای‌ـاسنادی انجام شده است و بعد از بازخوانی و تصحیح نسخهٔ «رساله‌ای در دفع وبا» به‌منظور رسیدن به اهداف پژوهش، اطلاعات جمع‌آوری‌شده تجزیه و تحلیل شد.محتوای رساله در دو باب نوشته شده است؛ ابتدا این رسالهٔ طبی به طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن توجه دارد و دوم به تفصیل مرض وبا و علاج بیماری پرداخته است. در این پژوهش ابتدا در مقدمه به تاریخچهٔ مختصری از شیوع وبا در دورهٔ قاجار و علتی که نگارنده، دکتر ابوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی)، بیان کرده و درنهایت به تصحیح علمی و ادبی نسخهٔ «رساله‌ای در دفع وبا» می‌پردازیم.

تاریخ دریافت: آبان ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها: وبا؛ تاریخ پزشکی؛ تاریخ قرن ۱۹

مقدمه

اَبوالْحسن‌خانِ بهرامی، پسر عبدالوهاب‌خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن‌خان دکتر (معتمدالسلطان)، در ۲۳ ربیع‌الاول ۱۲۶۱ مصادف با ۱ آوریل ۱۸۴۵ میلادی در طرخوران از روستاهای بزرگ تفرش (در استان مرکزی فعلی) متولد شد و در ۱۳۳۲ ه‌ق/۱۹۱۴ م به‌دلیل بیماری سپتی‌سمی (عفونت خون) در تهران درگذشت (۱). او از پزشکان و جراحان معاصر ایرانی و از پیشگامان ترویج طب نوین اروپایی در کنار دانش طب اصیل ایرانی است (۱). در مورد بیوگرافی او در اکثر متون تاریخی گزارش مفصلی آمده که به بازگوکردن آن در اینجا نیاز نیست، اما مسئله‌ای که سبب شده در این پژوهش در مورد دکتر اَبوالحسن‌خانِ بهرامی سخن به میان آورده شود، رسالهٔ طبی منحصربه‌فردی است که با عناوین «وبا»، «رساله‌ای در دفع وبا» و «رساله در مرض وبا» نشانی از آن در کتابخانهٔ دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، فهرستوارهٔ منزوی، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی و کتابخانهٔ مرکز و اسناد ملی باقی مانده است.

انگیزهٔ اصلی در نگارش این رساله را می‌توان شیوع بیماری وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۴ ه‌ق/۱۸۷۶ تا ۱۸۷۷ م بدانیم که چیزی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر را در حدود گیلان تلف کرد که به این دلیل که دکتر اَبوالحسن‌خانِ بهرامی در این منطقه به مداوای بیماران مشغول بوده و همواره اهل پژوهش بوده به شرح، تدوین و تحقیق بیماری وبا می‌پردازد. او در هنگام بازگشت به تهران «رسالهٔ وبا» را در اختیار مجلس

Golshani SA, Mansourbakht G, Ebadimanesh H. Studying and correcting the version of "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" by Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan). Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2024;15(3):195-206. doi:10.22034/15.3.3.

Copyright © :Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.

* فرد مسئول مکاتبات: G_Mansourbakht@sbu.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

مجلس حفظ الصحهٔ تهران قرار می‌دهد که مورد توجه و تحسین پزشکان طب مدرن و سنتی دورهٔ قاجار قرار گرفته است. این رساله آن‌چنان اهمیت می‌یابد که او را به عضویت «مجلس حفظ الصحهٔ تهران» درمی‌آورد (۱). «مجلس حفظ‌الصحهٔ تهران» با همت دکتر ژوزف دزیره تولوزان (Dr. Joseph Désiré Tholozan) (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۷ م)، پزشک و همه‌گیرشناس (Epidemiologist) فرانسوی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۲٦٤– ۱۳۱۳ ق/ ۱۸٤۸ – ۱۸۹٦ میلادی)، در سال ۱۲۹۲ ه‍ق/۱۸۷٦ م در تهران تأسیس شد. مجلس مزبور به‌منظور کشف علل و عوامل پیدایش و شیوع وبا که به‌طور متناوب در ایران شیوع می‌یافت و نیز مبارزه با آن احداث شده بود، اما معمولاً در هنگام شیوع وبا این مرکز مشغول به کار بود. پس از مرگ دکتر تولوزان، حدود دو سال دکتر بازیل (Dr. Basile)، پزشک ارمنی فرانسوی و معلم پزشکی در مدرسهٔ دارالفنون، آن را اداره کرد و بعد این مجلس تعطیل شد تا این‌که با شیوع وبا در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۱ ه‍ق/۱۹۰٤ م دکتر ژان اتین ژوستن اشنایدر (Dr. Jean-Etienne Justin Schneider)، اتریشی‌الاصل و اهل آلزاس و از پزشکان ارتش فرانسه، به‌عنوان پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه مأموریت یافت تا مجدداً به احیای مجلس حفظ الصحه و به مبارزه با بیماری‌های عفونی و واگیر بپردازد. درنتیجه، این مجلس متشکل از پزشکان اروپایی مقیم تهران و چند پزشک ایرانی مجدداً احیا شد (۲، ۳). دوروتی دو وارزی ارمال (Dorothy de Warzee Hermalle)، همسر لئون لوماری دو وارزی (Leon Lomari de Warzee) دیپلمات بلژیکی، در این‌باره گفته که به همت مجلس حفظ الصحه در اپیدمی طاعون در سیستان به سال ۱۳۲۲ ه‍ق و نیز اپیدمی وبا در همین سال، اقدامات زیادی انجام شده بود. از طرف این مجلس چندین بار کمیسیون تشکیل و جزوه‌های راهنمای شناخت و رعایت اصول بهداشتی تهیه شده بود تا مردم را با علل بروز وبا و دیگر بیماری‌ها و جلوگیری از آنها آشنا کنند (۳).

درواقع شاید بتوان چنین ادعا کرد که «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر ابوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی)، یکی از متون مهم آموزشی دانش پزشکی در مقابله با بیماری وبا در «مجلس حفظ الصحهٔ تهران» است که در اینجا به بررسی و تصحیح نسخهٔ کاملی از آن خواهیم پرداخت، تا بهتر به جایگاه اصلی این نسخه در تاریخ پزشکی در دورهٔ قاجار و اهمیت تاریخ بیماری وبا در این دوره پی ببریم.

روش بررسی

روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی با رویکرد تحلیلی‌ـانتقادی و تصحیح نسخهٔ خطی و شیوهٔ گردآوری مطالب به‌صورت کتابشناسی (Bibliography) است و روش انجام این تحقیق، مطالعهٔ توصیفی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی تحلیل علمی نسخهٔ خطی بر مبنای دورهٔ تاریخی موردبحث به شیوهٔ پژوهشی جدید می‌باشد. درنهایت مراحل گردآوری و تدوین این تحقیق از آغاز تـا خاتمه به این ترتیب می‌باشد: الف) مطالعـهٔ دقیـق نسخهٔ رسالهٔ خطی «رساله‌ای در دفع وبا» از دکتر اَبوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب‌خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن‌خان دکتر (معتمدالسلطان)؛ ب) بازخوانی، ترجمه و تصحیح دقیق نسخهٔ طبی؛ ج) استفاده از دائره‌المعارف و لغت‌نامه‌های معتبر برای اصطلاحات طبی برای بررسی و تحلیل هر چه بهتر اطلاعات؛ د) تدوین و نگارش مطالب.

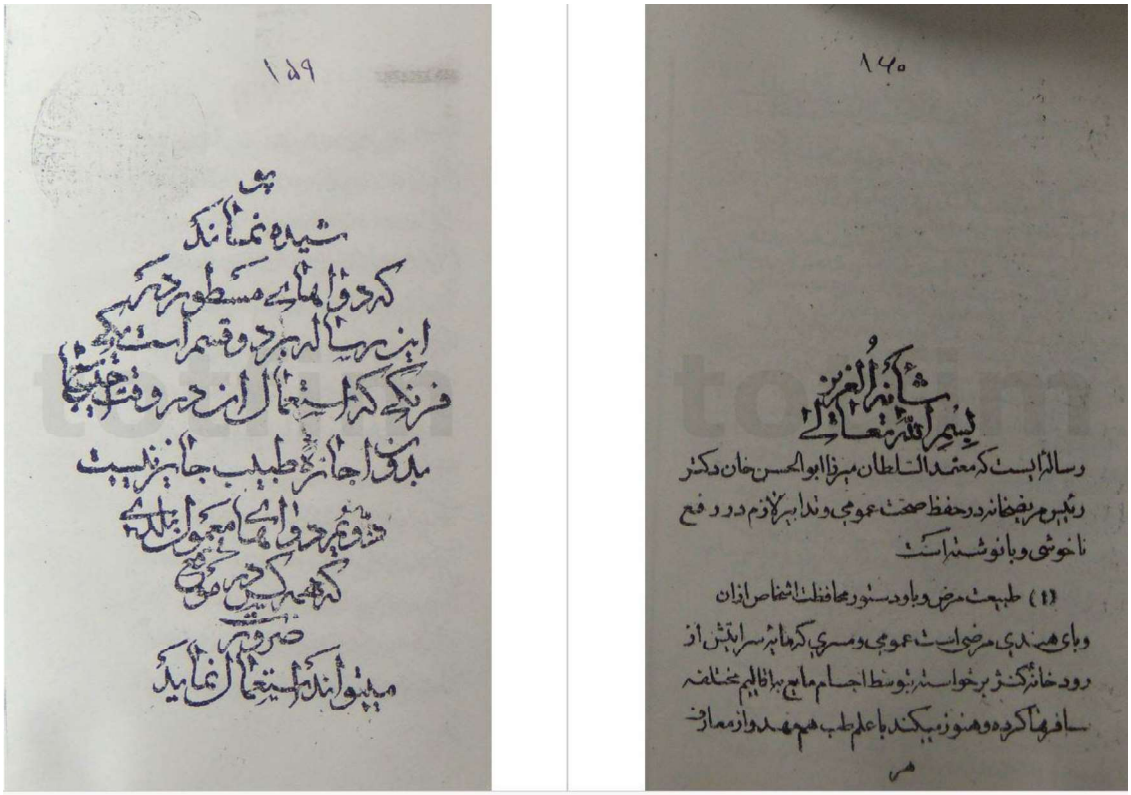
اما نکته‌ای که سبب توجه نگارندگان این مقاله به نسخهٔ نسبتاً کامل باقی‌مانده از نسخهٔ «رساله‌ای در دفع وبا» از شخصیت معروفی در مدرسهٔ دارالفنون، یعنی دکتر اَبوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی) شده، رسالهٔ طبی منحصربه‌فردی است که از سوی حکیم مزبور تدوین شده و به‌صورت دست‌نویس در سدهٔ ۱۳ ه‍ق، به‌صورت نسخهٔ خطی با شماره نسخهٔ ۱۰۲٦ در گنجینهٔ نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی به زبان فارسی باقی مانده که پژوهشگران این تحقیق از این نسخه برای تصحیح استفاده کردند (٤).

یافته‌ها

پوشیده نماند که دواهای مسطور در این رساله بر دو قسم است: یکی فرنگی که استعمال آن در وقت احتیاج بدون اجازهٔ طبیب جایز نیست، دویّم دواهای معمول بلدی

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]



تصویر ۱. صفحهٔ اول رساله

[مربوط به شهر (۵)] که همه‌کس در موقع ضرورت می‌تواند استعمال نماید (صفحهٔ مقدمهٔ رساله).

بسم‌الله تعالی شأنه العزیز

رساله‌ای است که معتمدالسلطان، میرزا ابوالحسن‌خان دکتر، رئیس مریض‌خانه در حفظ صحت عمومی و تدابیر لازم در دفع ناخوشی وبا نوشته است (تصویر ۱) (٤)

(۱) طبیعت مرض وبا و دستور محافظت اشخاص از آن

وبای هندی مرضی است عمومی و مسری که مایهٔ سرایتش از رودخانهٔ کنژ [رود گنگ، بزرگ‌ترین رود شبه‌قارهٔ هند و دارای ۲۵۰٦ کیلومتر طول است (۵)] برخاسته به‌توسط اجسام مایع به اقالیم مختلفه مسافرت‌ها کرده و هنوز می‌کند، با علم طب هم‌مهد و از معارف (صفحهٔ ۱) هر عهد بوده است. چنانچه در سه موضع از کتاب مقدّس تورات، شرحی از خطر و گریز از این مرض مرقوم آمده ابقراط [بقراط یا هیپوکراتیس (۳۷۰ تا ٤٦۰ ه‌ق) پزشک یونانی (۵)] در کتاب پنجم امراض اپیدمی تفصیلی از آن نگاشته و در کتاب سانسکریت هند به اسم سی‌تانکا (हैजा: بلای سیاه) نوشته شده. چینی‌ها هلوان (霍乱 : Huòluàn) و یونانی‌ها کلرا [Choléra : Χολέρα] (صفراوی) نامش نهاده، اعراب و اروپاییان به‌نوبت در تحقیق طبیعت و معالجهٔ این حلّت [ضعف، فتور یا جهت چیزی (۵)] کوشیده‌اند.

با وجود قدیمی‌بودن مرض، طبیعت مایهٔ مسری معلوم نشده و هر کس در باب اصل مرض وبا خیالی کرده. بعضی به آثار کواکبش [ستارگان یا اجرام آسمانی (۵)] بسته و برخی بلای آسمانی‌اش دانسته، گروهی تعفّن [بوی‌بد، عفونت، گندیدگی(۵)] هوایش بسته می‌دانستند تا در این چند سال که از سعی اطبای معاصرین خاصه دکتر کخ آلمانی [روبِرت کُخ (Heinrich Hermann Robert Koch) (۱۸٤۳ تا ۱۹۱۰م)، پزشک و دانشمند میکروب‌شناس آلمانی (٦)] با ذرّه‌بین و زحمت بسیار معلوم شد که این مایهٔ هوامی [موجودات ریز،

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

حشرات زهردار و موذی (۵)] است ذرّه‌بینی که با آب به بدن انسان داخل شده، هستی را به باد می‌دهد.

از قدیم تاکنون همهٔ مردم مصروف به دفع مایهٔ سرایت این مرض و خلاصی نوع انسانی از این بلا بوده در این راه بسی کوشیده (صفحهٔ ۲) و در تدبیر را بر همهٔ تدبیرات ترجیح داده تا امروز تدبیر بهتری از این دو تدبیر معلوم نشده، بلکه سیّمی از برای آنها به دست نیامده است، یکی منع مایهٔ مسری از دخول به شهر و بلد و دیگری برداشتن استعداد [توانایی (۵)] شهری از قبول این مایه چون تخم این هوام بی‌واسطهٔ آب از جایی به جایی انتقال نمی‌یابد. تدبیر اول عبارت است از این‌که دور بلد مبتلا به وبا را احاطه کرده (کُردن‌سانی‌تر) [در معنای فرانسوی: Cordon sanitaire به معنای حلقهٔ بهداشتی است] حیوان و انسان آن بلد را مانع از دخول به شهر و بلاد مجاور شده در صورتی مردم ناگزیر از راه‌دادن مجاور و مسافرین باشند بر مدخل شهر و بلد خود حفظ گاهی که چهل روز گذرندگان از نقطهٔ مبتلا را در آنجا نگاه دارند (گرانتین) [قرنطینه (۵)] قرار داده در این مدت بعضی تدبیرات از قبیل دود گوگرد و بخورهایی که هوام [موجودات ریز یا همان میکروب‌ها (۵)] ذرّه‌بینی را می‌کشد معمول داشته پس اجازه به دخول هر شهر و بلدی می‌دهند (٤).

تدبیر دوّم رفع استعداد شهر است از قبول این هوام و پروردن آن یعنی تدبیری که آب را برای زندگانی‌اش ناسازگار (صفحهٔ ۳) ساخته، مانع توالد و زیادشدنش بوده، راه تغذیه را بر او ببندند تا از گرسنگی و بی‌برگی [احتیاج (۵)] بمیرد.

از آنجا که غذای هوام وبایی از کسافت [احتمالاً منظور نویسنده واژهٔ کثافت باید باشد که به‌اشتباه املایی آمده و به معنی تعفّن و فساد است (۵)] مخلوط به آب‌ها و مواد گندیده است، چون بخواهند بی‌غذا بماند کسافت را از آب‌ها برداشته در پوشیدن و پنهان‌کردن فضلات طبیعی بکوشند، مبادا که این حیوان بر آنها راه کند، چراکه یک دانه از این هوام خود را به چاه مبالی [چاه فاضلاب (۵)] کشاند در چند ساعت عدد را به کرورها می‌رساند. پس شرط نخستین پاک‌کردن نهرها و چشمه‌ها و حوض‌ها و آب‌انبارها و منبع‌ها و حمام‌هاست که باید اهل شهر همدست شده حوض‌ها و آب‌انبارها را زیرآب [مخرجی دربسته در تک‌خزانه یا حوض یا آب‌انبار و غیره که به چاهی یا مغاکی منتهی می‌شود تا آنگاه که خواهند، آن را باز کنند و آبدان ازآب و لجن تهی شود(۵)] زده و شسته، آب تازه در آنها بسته، به‌قدری‌که مناسب وسعت حوض و آب‌انبار باشد آهن در آنها گذاشته، هیچ‌گونه غفلتی در این میان روا ندارند که مایهٔ ملامت خود و شماتت همسایه است.

شرط دوّم پاک‌داشتن مبال‌هاست [«مبال» از ریشهٔ «بَول»، که عربی و اسم مکان است، آمده و به معنی «محل ادرار» است. طهارت‌خانه، آبریز، حاجت‌خانه (۵)] بدین که وضع چاه و نشیمن‌گاه را قسمی [نوعی (۵)] ترتیب بدهند که فضلات در نشیمن‌گاه جمع نشود همه‌روزه مبال را شسته آب‌آهک در آن ریخته و یا محلول (صفحهٔ ٤) م د ر ۱۰۰ زاج سبز [۱۰۰ مقاومت چندداروییِ (MDR)، سولفات آهن یا زاج سبز (۵)] بدان پاشیده دقّت در پاکی آن داشته باشند.

شرط سیّم پاک نگاه‌داشتن کوچه‌ها و پس‌کوچه‌ها و دکان‌ها و خرابه‌ها و باره‌بندها و طویله‌ها و خانه‌هاست از اقسام کسافت و پلیدی و چیزهای گندیده و بدبو مانند نعش حیوانات و فضلات نباتی و مدفوع انسان و حیوان.

چون بلای وبا در شهری بالا گیرد باز چارهٔ هر خانه منحصر بدین دو تدبیر است که منع ورود هوام ذره‌بینی و بی‌غذاگذاشتن آن باشد چنان‌که ورود اشخاص و حیوانات بیرونی را مانع بوده آبی که از مجاری مشکوک بگذرد به خانه راه نداده، اجسام آبدار و تر از قبیل میوه‌جات و سبزی‌آلات و هرچه بدون پختن مصرف شود به خانه نیاورده به کلی مانع ورود اجسام حامل تخم این هوام شده. تدبیر دوّم که عبارت از پاک‌داشتن خانه و حوض و آب‌انبار و مبال و غیره باشد معمول دارند.

در صورت ورود این هوام به هر خانه باز تکلیف هر شخصی به‌جای (صفحهٔ ۵) آوردن دو تدبیر مذکور است بدین که: ۱- در آبِ شستنی و نوشیدنی، دقّت کافی نموده آبی که در یک شبانه‌روز مصرف می‌کند در ظرف مخصوص جوشانیده در تُنگ بلور در سنباده [مادّه‌ای برای بریدن و صیقل‌زدن یا برداشتن لایه‌های نازک از روی سطح مواد

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

سخت (۵)] از هوا حفظ کرده، در اطاقی که با ادویهٔ مانع تعفّن آغشته باشند، در تُنگ را باز کنند؛ ۲- از اجسام تر و آبدار که بی‌جوشانیدن خورده شوند به کلی پرهیز داشته، دست به طرف هیچ میوه دراز نکنند؛ ۳- غذا تا جوشیده و گرم است خورده، از غذای سرد و شب‌مانده به کلی صرف‌نظر کنند؛ ٤- از آنجا که ضعیف‌شدن آلات بدنی مخصوصاً مجرای تغذیه، اسباب قبول این هوام است همیشه حالت این مجرا را مراعات کرده، ضعف معده و روده را به تدابیر مخصوصه به دفع آنها رفع نموده از هرگونه افراطی از حرکت و جماع و خوردن و نوشیدن برحذر بوده، بلکه افراط در طعم را هم مضر بداند؛ ۵- بدن را پاک نگه داشته، از لباس چرک احتراز نماید؛ ٦- دست و لباس را به مدفوعات مبتلایان آلوده نسازد؛ ۷- در پاکی اطاق خوردن و خفتن دقّت داشته، روزی دو دفعه با محلول اسید فنیک (در ۱۰۰۰) [اسید فنیک یا فنل منجمد یک داروی ضدعفونی‌کننده مهم و محرکی قوی است (۵)] یا سوبلیمه [معنی فرانسوی زهرآبک؛ جسمی است قابل‌تصعید که در آب محلول است و از گرم‌کردن سولفات مرکوریم و نمک به‌دست آید (۵)] به همین (صفحهٔ ٦) مقدار در و دیوار اطاق را با پولورتیراتور [احتمالاً محلول ضدامراض که با آب ترکیب می‌شود (۵)] آغشته ساخته، تمام اسباب خانه و رختخواب و غیره را پس از شستن و پاک‌نمودن بدین محلول آلوده [مالیده به چیزی، آغشته (۵)] سازد؛ ۸- مدفوع و قی و اسهال وبایی را دفع نموده و یا سوزانیده لباس و رختخواب و سایر ملبوس او را سوزانیده و یا جوشانیده هر دفعه که از مبال به درآید مبال را شسته محلول زاج سبز در آن بریزند؛ ۹- آبی که دست و صورت بدان می‌شویند و طهارت از آن می‌گیرند محلول ضعیفی از اسید فنیک باشد (٤).

(۲) تفصیل مرض وبا و علاجش

مرض وبای هندی شناخته می‌شود به اسهال مایع زیادی پر از دانه‌های سفید و کرم کوچک ذرّه‌بینی باقی و تشنّج و کبودشدن لُبّ سر انگشتان و گرفتن صدا و نبودن ادرار که علامت تشریحی آن بزرگ‌شدن غدد متفرقهٔ روده و در بعضی ورم غشای درونی قلب و ولوول بطنی [احتمالاً فیبریلاسیون بطنی باید باشد] و ترمبوز لیفی [ترومبوز وریدی یا شریانی، لخته در داخل عروق (۵)] قلب و امبولی [آمبولی یا رگ‌بستاک، انسداد ناگهانی سرخرگ است (۵)] عروق شعریه [مویرگ‌ها (مویرگی) (۵)] است (٤).

چون در این مرض رطوبت خون به اسهال دفع می‌شود خون در (صفحهٔ ۷) ورید و عروق شعریه منجمد شده، عمل دوران و تولید و تصفیهٔ خون معوق مانده، حرارت بدن نقصان فاحش یافته، اطراف سرد و نبض ساقط گشته، به هلاک می‌انجامد.

در بعضی بروز مرض چند روز اسهال نزله [سرماخوردگی یا زکام که با خرابی سینه و سرفه همراه است (۵)] مقدمه داشته، عموماً مرض وبا دو هنگام دارد: یکی هنگام برودت که وقت کبودشدن بدن و سردی است و دیگری هنگام هیجان که در آن حین، نبض سرعت یافته، حرارت بدن برگشته و جلد سرخ‌شده، ادرار دست داده، صدا باز می‌شود، در این هنگام در بعضی بثورات سرخچه‌شکل در جلد ظاهر می‌گردند، که بی‌خطر و از علامات مخصوصه‌اند ولی تمام خطر این هنگام در این است که رجعت ناگهانی دوارش [سرگیجه (۵)] و حرارت به‌واسطهٔ امبولی شعریه موجب ورم ریه و پرده‌های مغز و سایر احشا تواند شد. همیشه در بول وبایی مقداری البومین [آلبومین به گروهی از پروتئین‌های محلول در آب گفته می‌شود (۵).] است که تمام‌شدنش دلیل بر شفایافتن شخص وبایی می‌باشد، چون سردی بدن بدانجا رسد که میزان حرارت ۲۹ درجه در زیر بغل و ۱۹ درجه در جلد [پوست بدن (۵)] نشان دهد هلاکت یقین است، ولی اتفاق هلاکت منحصر (صفحهٔ ۸) به هنگام برودت نبوده، بسیار وبایی که در هنگام هیجان تلف شده‌اند. مریضی که در همان هنگام برودت در ظرف چند ساعت درگذرد، احتیاط در دفنش کنند، چه مدتی به همان حالت سردی هست ولی نمرده است، شاید که اگر مدتی بگذرد هنگام هیجان دست‌داده، شفا پذیرد.

ایّام نقاهت شخص وبایی، طولانی و با اذیت و در بعضی با جزئی آثار عصبانی و متشنّج‌ماندن اطراف است.

علاج- هیچ پولیس حفظ صحّتی تاکنون قابل جلوگیری

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

عمومیت وبا نبوده، ولی این‌قدر هست که باید اجزای حکومت هر شهر مترصّد باشند که چون در نقطهٔ معیّنی مرض وبا بروز کند، اشخاص موضع را متفرّق ساخته، مانع رسیدن تخم حیوانات ذرّه‌بینی به محل مجاور گردند، بدین که:

۱- لباس و رختخواب شخص وبایی را سوزانید و یا جوشانیده و یا به مدت یک ساعت در نمک آبی که ۲۰۰ مثقال نمک طعام در ۱۸۰۰ مثقال آب باشد خیسانیده، لگن و طشتی که در آنها قی و اسهال کرده باشند در چاهی خالی نموده، در ظرف بزرگی گذاشته، کلرور دُشو را [کلرور دوشو یا کُلُرور آهَک (Chloride of lime) (۵)] (صفحهٔ ۹) خشک ۱۰۰ مثقال، آب ۸۰۰ مثقال در آن ظرف ریخته، تکان بدهند تا آب به همه‌جای آنها برسد و رویشان را بگیرد پس بیرون آورده و در آب شسته، خشک نمایند، محلول کلرور دُشو را در همان چاهی که مدفوع وبایی را در آن ریخته‌اند، بریزند؛ ۲- هر صبح و عصر این محلول را (زاج سبز ۱۰ مثقال، آب ۲۰۰ مثقال، محلول اسید فنیک یک در هزار ۲۰ مثقال) در مبالی که شخص وبایی در آن نشسته باشد، بریزند؛ ۳- در اطاقی که خوابیده باشد چند بشقاب پر از کلرور دُشو چیده، این محلول را (آب ۲۰۰۰، الکل ۲۰۰، اسید فنیک ۱۰ مثقال) که در مریض‌خانه باید به‌کار داشت، بخور کنند.

در اوقات وبایی چون کسی را اسهالی دست دهد، امساک از اغذیه و اشربه نموده، غذا حریرهٔ نشاسته و دوا مطبوخ دو مثقال پوست گنه‌گنه یا ده دانه سنجد تلخ و شربت لعابی از به‌دانه و بارهنگ یا صمغ است. دو دانه سفیدهٔ تخم در یک بطری آب و یا ۱۵ نخود لیمناد سولفوریک [لیموناد اسید سولفوریک صنعتی یا سولفوریک اسید (۵)] را در ۲۰۰ مثقال آب ریخته به‌تدریج نوشیده ٦ تا ۱۰ قطره لودانم [لودانوم (laudanum) محلول الکلی (تنتور) تریاک (۵)] در آب نمک (صفحهٔ ۱۰) ریخته (نمک طعام ۱ مثقال، آب ۲۰ مثقال)، اماله [تزریق یا تنقیه (۵)] نمایند، اگر لودانم حاضر نباشد ۲ گندم [واحد سنجش معادل یک‌چهارم نخود و برابر با ٤٨ میلی‌گرم است (۵)] تریاک را در ۲۰ مثقال آب جوش ریخته دو دانه سفیدهٔ تخم‌مرغ بدان افزوده اماله کنند (٤).

چون اول علامت وبا آشکار گردد ۵ تا ۱۰ گندم عصارهٔ راتانیا [گیاهی از تیرهٔ لگومینوز از دستهٔ سزالپینه قسمت قابل‌مصرف: ریشه. مادهٔ مؤثرهٔ تانن (۵)] را در یک استیکان لعاب به‌دانهٔ داغ دم نموده، بدهند. در جایی که عصاره دست ندهد می‌توان یک دانه مازو [میوهٔ کروی‌شکلی است که بر روی تنهٔ درختان به‌ویژه درخت بلوط به‌وجود می‌آید (۵)] را در یک پیالهٔ آب جوشانیده، بنوشانند. ۱۰ تا ۲۰ نخود سونیترات دُبیسموت [بیسموت ساب‌سیترات پتاسیم (۵)] و به همین مقدار، معجون مثرودیطوس [مثرودیطوس یک داروی ترکیبی ضدسمّ مشهور است. این داروی ترکیبی از ابتکارات دانشمند و فرمانروای مثرودیطوس، میتریدات ششم، پادشاه پادشاهی آناتولی باستانی پونتوس (۱۳٤ تا ٦۳ ه‌ق) است که نام خود را بر آن نهاده است (۷)] معجون خورانیده، تا اطراف سرد نشده است، کلدیورن [Castor oil] یا روغن کرچک به روی شکم بمالند.

در هنگام برودت، شراب گرم‌کرده و پونش [پونه (Pennyroyal) گیاهی در داروهای طب سنتی ایرانی و معطر که جزو گیاهان خانوادهٔ نعنائیان یا Lamiaceae است. گیاهی است از سردهٔ نعنا و تیرهٔ لب‌گلی‌ها و له‌شدهٔ برگ‌های آن عطر نعنا دارد (۸)] از چای و عرق و عرق اکلیل‌الجبل [عرق اکلیل کوهی یا رزماری (۵)] یا یک پیاله از مطبوخ، دو مثقال اکلیل‌الملک [یونجهٔ زرد یا ناخنک یا شاه‌افسر (۵)] را با یک قهوه‌خوری عرق مخلوط نموده، بدهند. چای تلخ و قهوه، مخلوط با عرق خورانیده، یک پیاله دم‌نوشانیدهٔ عرق نعناع یا پودنه [پونه (۵)] داده، هر دو ساعت یک قاشق آش‌خوری از این مخلوط (صفحهٔ ۱۱) (کلروفرم ۵ نخود، الکل یک مثقال و نیم، استات دُامونیاک ۲ مثقال، آب ۲۲ مثقال، شربت کلریدرات دُمرفین ۸ مثقال) بدهند که تشنج‌های دردناک را رفع نموده، عمل جلد را تحریک کرده، قی و اسهال را بسته، فساد خون را اصلاح نموده، درواقع دوای این هنگام است؛ چون ممکن نباشد، چند دانه قرص پونه خورانیده، مریض را در بخار آب بدارند، بدین قسم که دو سه سماور یا ظرف دیگر که پر از آب جوش باشند، به اطاق آورده، در اطاق را بسته، سرشان را بردارند تا بخار آب در تمام اطاق پراکنده شده، بر مریض احاطه کند. خردل و چون حاضر نباشد تخم

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

تره‌تیزک [تخم شاهی یا تخم سپندان (۵)] مسحوق [کوفته یا ریزه‌ریزه کرده (۵)] را خمیر نموده، به بدنش مالیده، پارچهٔ اثمن [متحرک (۵)] داغ یا اتوی آتش‌کرده را در پارچه پیچیده، بر روی مهرهٔ کمر، دست و پایش بمالند با روغن بادام تلخ یا آب کُلُنی [کلونیا شامل ترکیبی از اتانول خالص، آب و موادی که بوی مطبوعی می‌دهند (۵)] و یا روغن حنکری (کافور ۲ مثقال، مسحوق فلفل فرنگی ۲ مثقال، مسحوق خردل ۲ مثقال، سیر کوبیده ۱ مثقال، ذراریح [حشره‌ای بالدار به رنگ سبز یا آبی که بیشتر روی گیاه‌های تازه می‌نشیند و سمّ خطرناکی دارد و خواص طبّی دارد (۵)] ساییده نیم مثقال، ۲٤ ساعت در سرکه ۸ مثقال، الکل ۸ مثقال بخیسانند) و روغن تربانتین [روغن سقّز؛ نوعی روغن است که از تقطیر رزین برخی از گونه‌های درخت بنه استحصال می‌شود. تربانتین دارای خواص دارویی و صنعتی است (۵)] همهٔ بدنش را مالش داده، روغن آمونیاک (صفحهٔ ۱۲) (آمونیاک ٦ مثقال، روغن زیتون ۲٤ مثقال) مالیده، ٤ مثقال کافور با روغن آمونیاک مخلوط نموده، بمالند. مالیدن روغن تربانتین (اسانس تربانتین ٤ مثقال، روغن بابونه ۱۲ مثقال، لودانم ۸ مثقال) نافع است.

در دفع قی دوای جوش و پارچه‌های کوچک یخ و از ۳ گندم تا ۵ نخود افیون خورانیده، آبدزدک [سرنگ، آمپول، تزریق‌کننده (۵)] زیرجلدی از مرفین (مرفین ۲ گندم، آب مقطر ۲ مثقال) بزنند.

در دفع اسهال امالهٔ لودانمی [داروی ضداعتیاد لودانوم (۵)] و یا تریاکی نموده مطبوخ قهوه و سونیترات دُبیسموت [Bismuth II Nitrate] از یک تا پنج مثقال در یک استیکان شربت قند و یک مثقال و نیم تا دو مثقال دوای جوش‌شیرین و شربت جوهر گوگرد پاشوره (۵ نخود در ۲٤ مثقال شربت قند) خورانیده و چون هیچ‌کدام حاضر نباشد یک تا دو مثقال نمک طعام در ۲۰ مثقال آب حل نموده، بدهند که محض برگردانیدن راه جذب روده بدین جمله ترجیح دارد.

در رفع تشنّجات دردناک، سخت بستن بازو و ران و یا انداختن (صفحهٔ ۱۳) حلقهٔ برنجی بدان‌ها و در رفع دردِ دل، ضماد بزرک [تخم کتان (۵)] با خطمی که چند قطره لودانم به رویش پاشیده باشند بر روی شکم انداخته از ۵ تا ۱۵ نخود کربنات دامونیاک در ۲٤ ساعت در شربت صمغی بخورانند.

از ادویه که در رفع تمام علامات وبا بسی آزموده‌اند، کلرائید [کلراید (۵)] دانه است که از ۵ تا ۲۰ نخود در مقدار کمی آب مقطّر نوشانیده و آثار معجزه‌آمیز از آن دیده‌اند، چه دافع قی و دردهای تشنّجی و کوفتگی کلّی است و از همه بهتر خوابی می‌آورد که در این حال مریض کمال احتیاج را بدان دارد (٤).

آبدزدک وریدی شیر را دکتر اودِر، بسی مفید یافته است. بدین قسم که گاوی حاضر کرده و شیرش را به روی پارچهٔ تافته که بر دهان ظرف گرم‌کرده گسترده باشند، دوشیده، آبدزدک گرم کرده و از آن شیر مصفّی [صاف‌شده (۵)] پر نموده، یکی از وریدهای شخص وبایی سردشده را گشوده، به‌تدریج تا ۲٤ مثقال از آن شیر را در ورید آبدزدک کنند که پس از ۳ یا ٤ دقیقه سردی بدن با تمام علامات ردیه رفع شده، بدن گرم گشته، شفا حاصل (صفحهٔ ١٤) می‌گردد و چون این مقدار کافی نباشد ۲٤ مثقال دیگر آبدزدک بزنند.

معالجه هنگام هیجان، ترک ادویهٔ گرم نمایند و خورانیدن یک نخود و نیم تا سه نخود گنه‌گنه؛ و چون تب زیاد و علامات ورمی شدید باشد، فصد و چون ورمی در جلد یا ریه یا پرده‌های دماغ ظاهر گردد به معالجات مخصوصهٔ آنها پردازند.

در اوقات نقاهت وبا، مقوّیات غذایی و اندکی شراب تجویز نموده، از پرخوردن و اقسام افراط برحذر بوده و خود را از اثر هوا محافظت نماید.

نسخه چند است که چون دست به طبیب نرسد، می‌توان به‌کار برد.

امالهٔ نشاسته

نشاسته ۳ مثقال، آب سرد ٤۰ مثقال، نیمی از آب را با نشاسته مخلوط نموده به‌هم زده، نیمهٔ دیگر را جوش آورده، با هم مخلوط نمایند (صفحهٔ ۱۵).

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

امالهٔ لودانمی

لودانم سیدنام (پزشک انگلیسی توماس سیدنهام (Thomas Sydenham) ۲۰ قطره، مطبوخ خطمی ۵۰ مثقال، ۱۵ نخود نشاسته در آن ریخته اماله نمایند.

امالهٔ قابض

لوف گل سرخ از هر یک ۲ مثقال در ٦۰ مثقال آب، دم نموده، صاف کرده، ۱۰ قطره لودانم در آن ریخته، اماله نمایند.

امالهٔ تریاکی

نشاسته ۲ مثقال در ۵۰ مثقال آب داغ ریخته و به‌هم زده، یک نخود تریاک بدان مخلوط نموده، اماله نمایند.

حبّ رافع اسهال وبایی

تریاق فاروق ۱ مثقال، کلمبو [کلمبو (Columba) گیاهی طبی، علفی پایا و بالارونده که دارای ریشه‌های ضخیم است (۵)] ساییده ۵ نخود، عصارهٔ افیون ۱ نخود، ۱۲ حبّ نموده، ۱ حب صبح و یکی عصر و چون لازم شود هر چهار ساعت یک دانه بدهند.

مالیدنی محرّک جلد

اسانس تربانتین امونیاک از هر یک ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به روی مهرهٔ کمر بمالند (صفحهٔ ١٦).

در رفع دردِ دل وبایی

شربت خشخاش ۲ مثقال، شربت به ٤ مثقال، عرق نعناع ۸ مثقال، آب ۱۰ مثقال مخلوط نموده، به ربع ساعت فاصله در دو یا سه نوبت بنوشند.

مخلوطی است که در وقت سردشدن بدن و سقوط نبض استعمال کنند

تعفین اتری [تخمیر یا تغییر بو (۵)] سنبل‌الطّیب [گیاه سنبل‌الطّیب پس از خشک‌شدن به رنگ قهوه‌ای درمی‌آید. طعم آن تلخ ولی خوشبو و معطّر است. عطر آن پس از خشک‌شدن بیشتر می‌شود (۵)] ۱ مثقال و نیم، تعفین کچوله [جوزالقی (Strychnos nux-vomica) (۵)] ۲۰ نخود، اترِ [نمک فرّار که از ترکیب یکی از اسیدهای معدنی یا آلی با الکل به‌دست می‌آید (۵)] ۱۰ قطره، الکل ۱ مثقال، تعفین ارنیکا [گندیدهٔ همیشه‌بهار کوهی (۵)] ۲۰ نخود، عطر نعناع ۱۰ نخود، تعفین افیون ۳۰ نخود، تعفین اکونیت [گندیدهٔ زهر هلاهل یا گیاه گرگ‌کش (۵)] دو مثقال و نیم، ۱۵ تا ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و چون لازم شود ٤۰ قطره در یک پیالهٔ قهوه‌خوری شراب ریخته، بدهند.

از دواهایی که در رفع مرض وبا استعمال کرده و مفید دیده‌اند یکی سالُل [دارویی فرانسوی که درواقع گردی است متبلور سفیدرنگ با بویی معطّر و مطبوع غیرمحلول در آب سرد و گلیسرین و محلول در ۱۰ قسمت الکل و ۳۰ درصد قسمت اتر و یا کلرفرم و بالاخره در اسانس‌ها و اجسام چربی و وازلین به خوبی حل می‌شود. با کافور و نافتول مخلوط مایعی تشکیل می‌دهد (۵)] است از ترکیبات اسید سالیسیلیک [سالیسیلیک اسید (Salicylic acid) یکی از اسیدهای آلی است که دارای مصارف دارویی نیز می‌باشد (۵)] که مسیو خوانتال دوای مخصوص وبا دانسته است، در خمیری که تخم هوام [حشرات زهردار و موذی (۵)] وبایی را در آن گشته و عدد بسیاری از این هوام حاصل کرده بود داخل نموده و دیده است که تمام آنها را (صفحهٔ ۱۷) برطرف نموده و دیگر هر قدر که تخم تازه در آن خمیر ریخته تولید نشده است؛ پس در چندین شخص وبایی سالُل را به مقادیر مختلفه استعمال کرده و بسی سودمند یافته، در آخر بدین‌گونه دستورالعمل داده است که در وقت وبایی هرکس در هر نوبت غذا، ۱۰ نخود سالُل بخورد مبتلا به وبا نخواهد شد. در شخص مبتلا هم همین که علامات اولیه، بنای بروز گذارند، ۲۰ نخود سالُل در یک پیاله لعاب به‌دانهٔ داغ ریخته همین که به‌صورت روغن بادام شد، داده؛ پس هر ساعتی ۵ نخود بدهند تا به کلی یقین بر شفا حاصل شود. اگر مقدارش در یک شبانه‌روز به چهار مثقال هم برسد باکی نیست (٤).

دویّم آبدزدک اترِ است. در وقت سقوط نبض و سردی بدن بدین قسم که ۵۰ قطره اترِ سولفوریک را با یک مثقال الکل مخلوط نموده هر سه ساعت یک آبدزدک زیرجلدی بزنند.

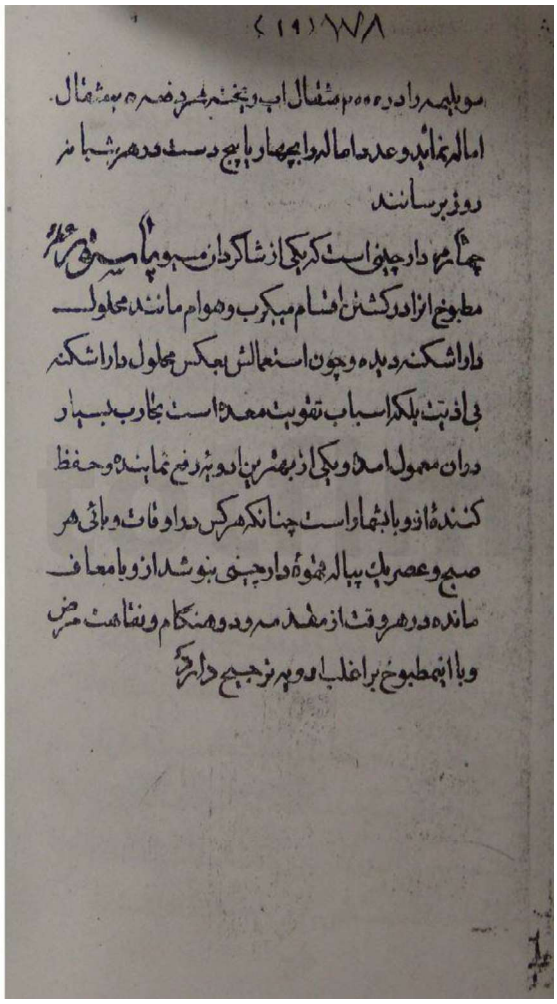
سیّم امالهٔ محلول داراشکنه [ماده‌ای سمی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سم الفار (آرسنیک) به‌دست می‌آید (۵)] است که طبیبی از اهل فرانسه در بعضی از ممالک هند تجربه نموده و رساله در خاصیت آن نگاشته و

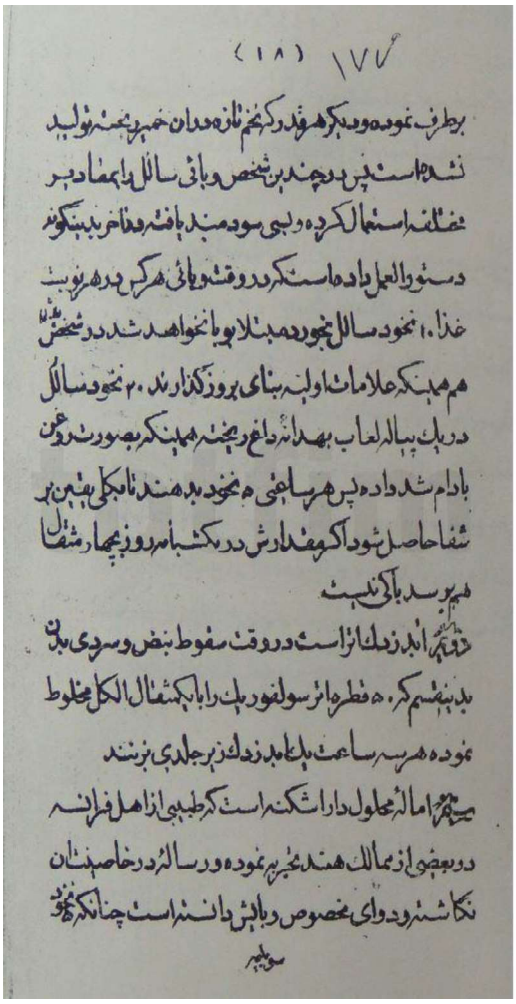
[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

دوای مخصوص وبایش دانسته است. چنانکه ۵ نخود (صفحهٔ ۱۸) سوبلیمه [Sublime سمی خطرناک و قابل‌تصعید که در آب محلول شده و از گرم‌کردن سولفات مرکوریم و نمک به‌دست می‌آید (۵)] را در ۲۰۰۰ مثقال آب ریخته هر دفعه ۲۵ مثقال اماله نماید و عدد اماله را به چهار یا پنج دست در هر شبانه‌روز برساند (٤).

چهارم دارچینی است که یکی از شاگردان موسیو پاستور [لویی پاستور (Louis Pasteur) (۱۸۲۲ تا ۱۸۹۵ م)، شیمی‌دان و زیست‌شناس مشهور فرانسوی است (۹)] عطر و مطبوخ آن را در کشتن اقسام میکروب و هوام [موجودات زهردار و موذی (۵)] مانند مخلوط داراشکنه [ماده‌ای سمّی که از ترکیب کلر و جیوه یا ترکیب جیوه و سمّ‌الفار به‌دست می‌آید (۵)] دیده و چون استعمالش بعکس محلول داراشکنه بی‌اذّیت بلکه اسباب تقویت معده است تجارب بسیار در آن معمول آمد و یکی از بهترین ادویهٔ رفع‌نماینده و حفظ‌کننده از وبا بشمار است چنانکه هر کس در اوقات وبایی هر صبح و عصر یک پیاله قهوهٔ دارچینی بنوشد از وبا معاف مانده در هر وقت از مقدمه، و در هنگام و نقاهت مرضِ وبا، این مطبوخ بر اغلب ادویه ترجیح دارد (صفحهٔ ۱۹) (تصویر ۲) (٤).





تصویر۲. دو صفحهٔ آخر رساله

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

نتیجه‌گیری

بیماری مهلک وبا که به گفتهٔ هما ناطق به «مرض موت» یا «مرگا مرگی» نیز معروف بوده، یکی از بیماری‌های بسیار شایع در ایران بوده است. شیوع بیماری وبا در رشت سبب نگارش رسالهٔ مهمی در حوزهٔ بیماری وبا توسط یکی از پزشکان دانش‌آموختهٔ مدرسهٔ دارالفنون شد. این اثر آن‌چنان دارای اهمیت بود که صاحب آن به عضویت «مجلس حفظ الصحهٔ تهران» درآمد. در این تحقیق تلاش شد این نسخهٔ خطیِ نستعلیقِ منحصربه‌فردِ طبّی دورهٔ قاجار در تهران (توسط کاتبی نامشخص) را که در بخش نسخه‌های خطّی کتابخانه با شماره نسخهٔ ۱۰۲٦ به زبان فارسی در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی ایران باقی مانده، بررسی و بازخوانی کنیم. این نسخه در واقع رسالهٔ بسیار مهم در موضوع وبا است؛ «رساله‌ای در دفع وبا» از اَبوالحسن‌خانِ بهرامی (تفرشی)، پسر عبدالوهاب‌خان تفرشی مشهور به میرزا ابوالحسن‌خان دکتر (معتمدالسلطان) (۲۳ ربیع‌الاول ۱۲٦۱ تا ۱۳۳۲ ه‍ق/۱ آوریل ۱۸٤٥ تا ۱۹۱٤ م)، از پزشکان طبّ سنتی و طبّ مدرن در دورهٔ قاجار (۱۲۱۰ تا ۱۳٤٤ ه‍ق) بوده است. بازخوانی و تصحیح علمی و ادبی دوبارهٔ این نسخهٔ طبّی با دقت بسیار صورت گرفته است. ظاهراً شیوع اپیدمی وبا در رشت در سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹٤ ه‍ق/۱۸۷٦ تا ۱۸۷۷ م از عوامل نگارش این رساله بوده است. در کنار مباحث طبّی و داروشناسی این پزشک عصر ناصری، روایات متفاوت از تاریخ اجتماعی ایران در دورهٔ قاجار و شیوع وبا، از نکات قابل‌توجه این رساله می‌باشد که می‌تواند در مطالعات تاریخ اجتماعی بیماری‌های واگیر در نزد مورّخان اجتماعی پزشکی مورد توجه قرار بگیرد.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

حمایت مالی

پروتکل این طرح پژوهشی پسادکترا با عنوان: «نقش خطوط کشتیرانی و راه‌آهن بین‌المللی در تسریع انتقال بیماری‌های واگیر به مرزهای سیاسی ایران دورهٔ قاجاریه (۱۲۱۰ تا ۱۳٤٤ ه‍ق/۱۷۹٦ تا ۱۹۲٥ م)»، تحت حمایت مادی بنیاد ملّی علم ایران (INSF) برگرفته‌شده از طرح شمارهٔ «٤۰۲۰۷۰٤»، در تاریخ ۱٤۰۲/۱۱/۳۰ تصویب شد.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر محمد صدر که در بازخوانی بعضی کلمات و اصطلاحات فرانسوی و معیار فارسی آن یاریگر بودند، سپاسگزاری می‌شود. همچنین از گروه تاریخِ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی که در انجام صحیح طرح پسادکترا حامی و پشتیبان بودند، کمال تشکر و قدردانی را می‌نماییم.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

References

1. Razpoush Sh. Encyclopaedia of the World of Islam. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation; 2019. Vol.4. p: 795. [In Persian].
2. Mirsalehian A, Dalvand M. History of bacterial infection diseases in Iran. Iranian Journal of Medical Microbiology. 2018 Oct 10; 12(4): 230-8.
3. De Warzee D. Peeps into Persia. Translated by Tahmasebi Sh. Tehran: Qoqnoos; 2018. p:139-140.
4. Bahrami Tafreshi MAH. *Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera). Tehran: Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament; 1876. Manuscript: 1026. P:1-19. [In Persian].
5. Available at: URL: https://abadis.ir/Accessed January 07, 2025.
6. Tan SY, Berman E. Robert Koch (1843-1910): Father of microbiology and Nobel laureate. Singapore Medical Journal. 2008 Nov 1; 49(11):854-5.
7. Ciaraldi M. Drug preparation in evidence? An unusual plant and bone assemblage from the Pompeian countryside, Italy. Vegetation History and Archaeobotany. 2000 Jul; 9: 91-8.
8. Gunby P. Medical news: Plant known for centuries still causes problems today. Journal of the American Medical Association. 1979; 241(21):2246-7.
9. Ligon BL. Biography: Louis Pasteur: A controversial figure in a debate on scientific ethics. Seminars in Pediatric Infectious Diseases. 2002; 13(2):134-141.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

Studying and correcting the version of "*Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera)" by Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan)

Seyyed Alireza Golshani[a], Ghobad Mansourbakht[a]*, Hojjat Ebadimanesh[b]

[a]Department of History, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
[b]Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran

Abstract

The copy of the treatise "*Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera)" by Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi), son of Abdul-Wahab Khan Tafreshi, known as Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan) (1845 to 1914 AD), one of the doctors of traditional and modern medicine in the Qajar period (1794 to 1925 AD). This is a unique manuscript in Persian language that remains in the library of manuscripts of the Islamic Parliament Library with the version number 1026. This research was carried out using an analytical-critical approach and employed a library-document methodology. After re-reading and correcting the manuscript of "*Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera)" in order to achieve the goals of the research, the collected information was analysed. The content of the treatise is written in two chapters. First, this medical treatise focuses on the nature of cholera and orders to safeguard individuals from infection. In this research, we will initially examine in the introduction, a brief history of the outbreak of cholera in the Qajar period and the cause, which was discussed by Doctor Abu'l Hassan Khan Bahrami (Tafreshi). Finally, we will deal with the scientific and literary correction of the "*Risalah dar Daf'i Vaba* (Cholera)" manuscript.

Keywords: Cholera; History of Medicine; 19th century history

Corresponding Author: G_Mansourbakht@sbu.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/15.3.3]

Golshani SA, Mansourbakht G, Ebadimanesh H. Studying and correcting the version of "*Risalah dar Daf'i Vaba (Cholera)*" by Doctor Mirza Abu'l Hassan Khan (Mu'tamid al-Sultan). Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. 2024;15(3):195-206. doi:10.22034/15.3.3.

Copyright © :Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.